



همسازگردنی

پرونده

آموزش و پرورش

پرونده «جوان» پیرامون بحران کمی و کیفی معلم همزمان با آغاز سال تحصیلی

وعده جبران کمبودمعلم

فراخوانی برای کمک‌گرفتن از معلمان بازنشسته داده شده که تا سقف ۲۴ ساعت در هفته کلاس‌گردانی کنند

مگر بخشی از کمبود نیرو جبران شود. وزیر آموزش و پرورش قول داده کمبود معلم را در همین مهرماه برطرف کند

از طرف دیگر ظرفیت پذیرش آزمون اخیر معلمی حدود ۲۸هزار نفر اعلام شد که با اعلام نتایج مشخص شد ۱۱ هزار و ۳۰۰ ظرفیت خالی مانده است

نظام آموزشی کشورمان یک سر و هزار سودا دارد، از یک سسو به دلیل کمبود معلم برخی کلاس‌های درس بدون معلم تشکیل شده‌اند و برخی کلاس‌ها نیز بیش از ۴۰ دانش‌آموز دارد. وزیر آموزش و پرورش هم با پذیرفتن این موضوع، وعده داده‌است در همین مهرماه موضوع کلاس‌های بدون معلم حل شود. از سوی دیگر اما گروهی از معلمانی که سر کلاس‌های درس حاضر می‌شوند، دچار بی‌انگیزگی هستند چراکه رتبه‌بندی آنها هنوز به نتیجه نرسیده است.

■ ■ ■

معلمان می‌گویند نه تکلیف رتبه‌بندی‌شان مشخص شده و نه خبری از معوقات‌شان است، البته روی کاغذ برخی از این موارد به نتیجه رسیده است اما تا عملیاتی شدن، فاصله بسیار زیادی وجود دارد. همین مسئله، انگیزه معلمان را به شدت کاهش داده است. تلاش هیچ و شاید اگر علاقه قلبی به بچه‌ها و آینده‌شان نبود، بسیاری از معلمان به فکر ترک خدمت می‌افتادند، تخریب فکری معلم یعنی ویرانی آینده یک کشور؛ کشوری که آینده‌سازانش را معلمانی باید مهمای فردا کنند که خود با مشکلات متعددی مواجهند.

■ **بحران کمبود معلم**

اینکه چرا کار پیش نمی‌رود، کسی جواب قانع‌کننده‌ای ندارد. مسئولان از تلاش برای حل مشکلات خبر می‌دهند.فاجعه‌زمانی خودنمایی می‌کند که قبولی‌های آزمون، تکلف کلاس‌های خالی رانمی‌دهد و آقایان برای تکمیل این کمبود دنبال پله‌های فرار هستند، اما ملی شدن مسیر ورود معلمان جدید به کلاس‌های درس به قدری طول می‌کشد که شاید آنها به سال تحصیلی فعلی نرسند، بنابراین کسی به درستی نمی‌داند تکلیف کلاس‌های خالی از معلم چه خواهد شد، هر چند وزیر آموزش و پرورش می‌گوید که کلاس‌های بدون معلم تا نیمه مهر معلم‌دار می‌شوند، البته آقای وزیر، مسئله کمبود معلم را طبیعی می‌داند. او در واکنش به کلاس‌های درس بدون معلم گفته است: «تعدادی از کلاس‌های درس بدون معلم مانده و تا نیمه‌های مهر برای آنها معلم می‌شود،ی‌ا البته آمار دقیق در این زمینه در دست نیست و تعداد خیلی کم است و به تعداد ظرفیت باقی‌مانده آزمون استخدما می‌است. این موضوع طبیعی است، در سال‌های گذشته هم چنین وضعیتی داشته‌ایم،امیدوارم از زمان معلم‌گفته است سال آینده،امسال برگزار شود تا این مشکلات رانداشته باشیم.» اما واقعیت این مشکلات از زبان معلمان چیز دیگری است. آنها می‌گویند به قدری تعداد معلمان کم است که فراخوانی برای کمک گرفتن از معلمان بازنشسته داده شده که آنها تا سقف ۲۴ساعت در هفته کلاس‌گردانی کنند.بلکه از این راه، بخشی از این کمبود نیرو جبران شود!

■ **چه تعداد معلم کم داریم؟**

دیگر «کمبود معلم» مسئله پنهانی نیست در سال‌های اخیر هر چه به اوایل مهر و زمان بازگشایی مدارس نزدیک می‌شویم، این موضوع در کلام مسئولان و رسانه‌ها داغ تر می‌شود، اما دربار اینکه مدارس کشور با کمبود چه تعداد معلم رپشته هم هستند، روایت‌های متعدد وجود دارد. یکی از معروف‌ترین آمارها در این خصوص را ماه‌های گذشته حاجی‌بابایی، رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس که خود در دوره‌ای وزیر آموزش و پرورش هم بود، روایت کرده است: «۳۰ هزار کمبود معلم داریم، این کمبودها را معلم پرورشی بوده تا معلم ورزش و ازمانبگاه، اگر می‌خواهیم یک آموزش و پرورش باشناط داشته باشیم، باید از طریق دانشگاه فرهنگیان ۳۰۰ هزار معلم بسازیم، راهی کلاس‌های درس کنیم. حتماً دانشجویی که در دانشگاه تربیت معلم درس خوانده، می‌تواند بهتر تدریس کند.» از آن روز تا امروز کسی به فکر جبران این تعداد نیروی معلمی نبوده است و حالا که هفته دوم سال تحصیلی سپری می‌شود، همه مسئولان برای جبران کمبود معلم به تک‌پاوقفتانده، به تازگی علی‌رضامندی سفیدان، رئیس کمیسیون آموزش مجلس در برنامه تلویزیونی صف اول در رابطه با علت کمبود معلم گفته است: «سال معلم داریم و در این امر دو دستگاه کوتاهی کرده‌اند که باید پاسخگو باشند. متأسفانه نگاه درستی از آموزش و پرورش در سازمان استخدامی وجود ندارد. از رئیس‌جمهور تقاضا داریم کاری کند معلمان خرید خدمت هم وارد سیستم شوند.» بسیاری از

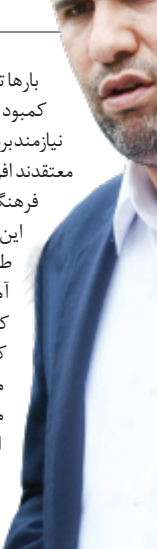
کارشناسان آموزش بارها و



دبیر آموزش و پرورش

لازم بهداشتی مدرسه و از دسترس خارج شدن بخشی از معلمان مدارس تنها می‌گذارد، انجامیده است. مهم‌ترین نتیجه بی‌اعتبار شدن مدارس دولتی، گسترش مدارس غیردولتی است که مانند یک‌بنگاه تجاری، اهداف اقتصادی را دنبال کرده و در این مدارس کمترین توجه به نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان را بر آن بگذاریم که این مؤسسه‌های آموزشی در قبال شهریه‌های بالایی که بر مردم تحمیل می‌کنند، توانسته‌اند کیفیت آموزشی قابل قبولی با استفاده از معلمان توانمند و استفاده از ابزارهای آموزشی به روز ایجاد کنند و در رقابت با مدارس بدون حامی و پشتوانه دولتی گوی سبقت را بر بایند، بازم در نهایت و مدت کوتاهی شکاف عمیقی بر جامعه نقش خواهد بست و بین نسل‌های جوان آن نه تنها در مادیات بلکه در نحوه موفقیت‌های علمی نیز تفاوت‌های بارزی دیده خواهد شد. مسئله عدالت به عنوان مهم‌ترین پشتوانه برای زیست همگانی که باید در مدارس تقویت و به بخش‌های دیگر سرایت کند در تلفقه گرفتار شده است و بیش از هر جای‌ین مسئله مهم در بحران‌های اجتماعی خود با چهره‌ای ستیزه‌خو برای درم شکستن نظم موجود عمل خواهد کرد.

هدف از ایجاد مدارس غیرانتفاعی بعد از انقلاب ابتدا کمک به دولت برای خروج از بحران‌های آموزشی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که میزان بالای تراکم کلاس‌های درس عملاً آموزش را با مشکل مواجه می‌کرد، اما امروز دیگر نه از آن تراکم بالا خبری است نه از کمبود مدارس، بلکه بسیاری از مدارس بلااستفاده مانده‌اند و گاهی مدارس بدون دانش‌آموز به مزایده نیز گذاشته می‌شوند. اما حالا که از آن بحران‌های آموزشی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که میزان بالای تراکم کلاس‌های جوان‌های بزرگ که پیش‌تر به آن پرداختیم، بشود؟ آیا تعارض منافع مهم‌تر است؟
دلیل این روند است؟ آیا تحریم و کمبود بودجه منجر به کم‌توجهی دولت‌ها به آموزش شده است؟ آیا آموزش از محور توجه دولت‌ها خارج شده است؟ اینکه در گذشته استدلال می‌شد که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم اقبال مرفه جامعه به آسودگی معلمان خصوصی را در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند و این مسئله که سیاستگذاران خود این موضوع را با تسیردن مجوزهای قانونی و ایجاد مدارس خصوصی کمک‌کنند و زمینه‌ساز گسترش آن باشند، با استدلالی که می‌آورند، بسیار متفاوت بود و آثار و زاینبار فراوانی از جمله به‌خطر افتادن تمامیت فکری جامعه، تبدیل مدارس



بارها تأکید کرده‌اند برای جبران کمبود معلم در آموزش و پرورش نیازمند برنامه بلندمدت هستیم. این معتقدند افزایش تعداد دانشگاه‌های فرهنگیان می‌تواند در بلندمدت این مشکل را حل کند. از طرفی تأکید می‌کنند که آموزش و پرورش نباید کیفیت را قربانی جبران کمبود نیرو و با جذب معلمان آموزش‌ندیده، مشکل‌ساز شود.
معلمان آموزش‌ندیده، اضافه می‌کنند. حالا مشخص نیست چه سرنوشتی برای کلاس‌های درس می‌معلم رقم بخورد.

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰-۸۸۵۲۳



نگاه

«آموزش» کالای بازاری نیست!

دولتی به محیط اعتراضی اقشار پایین جامعه، از میان رفتن فلسفه آموزش در مدارس دولتی، تلاش دانش‌آموزان و معلمان برای حضور نیافتن در مدارس دولتی و معضلات دیگری را به وجود خواهد آورد. از دست رفتن تمامیت فکری کم از به خطر افتادن تمامیت ارضی برای یک کشور نیست، از همین روز سیاستگذارانی که به‌دور از تعارض منافع عمل می‌کنند، باید در چارچوب وحدت‌بخشی و عدالت‌گستری دستورالعمل‌های‌شان را لحاظ کنند که مبادا کشورهای همسایه از فرصت پیش آمده در بعد تبلیغات فکری نهایت استفاده را ببرند. اگر در ادامه نیز سیاست‌های حاکمیت در بعدمختلف آموزش به تضعیف‌بنیه مدارس دولتی ختم شود، دیر یا زود مدارس دولتی را به پایگاه اصلی اعتراضی اقشار پایین جامعه علیه نابرابری‌های موجود تبدیل خواهد کرد.

مدارس غیردولتی با به شکل واضح‌تر آن بنگاه‌های آموزشی غالباً برای برطرف کردن نیازهای مالی مالکان آن تأسیس می‌شوند و تا تبلیغات بی‌شمار در فضاهای مختلف جهت ثبت‌نام و به رخ کشیدن موفقیت‌های دانش‌آموزان تحصیلکرده در آن مدارس مورد توجه جامعه قرار می‌گیرند. از یک طرف بخشی

از این بنگاه‌های آموزشی که مورد توجه هستند برای حفظ کیفیت آموزشی میزان اعتبار مدرسه، دانش‌آموزانی را ثبت‌نام می‌کنند که درصد موفقیت آنها بسیار زیاد است و از این طریق به اعتبار و سپس به کسب ثروت ناآل می‌شوند. در مقابل بخش وسیعی از این مدارس که کمتر مورد توجه هستند برای تأمین هزینه‌ها و رسیدن به سودآوری زمینه موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف را فراهم می‌آورند که عملاً نگاه آموزشی به معنای واقعی کلمه در این نهادها شکل می‌گیرد. مدیران مدارس غیردولتی که مورد اقبال ویژه واقع می‌شوند، به خوبی می‌دانند دانش‌آموزان موفق و پرتلاش زاینده طبقات متوسط جامعه هستند که برای فرار از فروافتادن در طبقات پایین، تحصیل را بهترین راهکار در نظر گرفته‌اند. خانواده‌های این دسته از افراد در طبقات متوسط باار اصلی ثروت‌اندوزی این مدارس را بر دوش می‌کشند، البته منظور ما مدارس غیر دولتی که طبقه متوسط توان اقتصادی حضور در آن رانده نیست.

چند مورد از مواردی که به تقویت مدارس غیردولتی کمک کرده است، عبارت‌ند از: تلاش‌ها و هزینه‌های طبقات متوسط برای در امان ماندن فرزندان‌شان از کیفیت پایین آموزشی در برخی مدارس دولتی و جذب معلمان کم‌توان در فرایند آموزش دولتی. از طرفی دیگر بخش قابل توجهی از طبقات متوسط در آرزوی موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان را داشته‌اند اما در رقابت‌های سنگین آموزشی فرزندان‌شان موفق نشده‌اند، نوعی واژگی و انزجار در قبال هزینه‌های گزاف مدارس غیردولتی. کلاس‌ها و کتاب‌های کمک آموزشی مابین والدین و فرزندان پیش خواهد آورد.

در کلام آخر باید تأکید کرد که راهی جز مجاب کردن دولت برای کمک همه‌جانبه به مدارس دولتی نیست. اگر بخواهیم به صورت تطبیقی و کوتاه‌این موضوع را بررسی کنیم، چهار حوزه اسکندنی‌ناوی با تقویت مدارس دولتی و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اقشار جامعه توانسته‌اند به بالاترین سطح آموزشی نائل شوند. آنها بیش از هر چیز تفاوت آموزش، کالا و بازار را درک کرده‌اند و آموزش را خدمتی دانسته‌اند که از پیرامون آن می‌شود به پیشرفت رسید.

■ **ظرفیت‌هایی که خالی ماند**

آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش ویژه رشته شغلی آموزگار ابتدایی و آموزگار استثنایی اردیبهشت‌ماه سال جاری برگزار شد. بیش از ۵۳۴هزار نفر در این آزمون شرکت کردند. قرار بود در این آزمون استخدامی ۲۴هزار و ۶۹۴ آموزگار ابتدایی، ۲۰هزار و ۳۳۲ آموزگار استثنایی و ۹۹۲ آموزگار ویژه مناطق عشایری و مرزی جذب شوند، یعنی ظرفیت پذیرش این آزمون حدود ۲۸هزار نفر اعلام شده بود.

این آزمون استخدامی شامل دو مرحله کتبی و ارزشیابی تکمیلی می‌شد و داوطلبان باید در مرحله ارزشیابی تکمیلی در مجموع از حداکثر امتیاز باید حداقل ۴۷۰ امتیاز را کسب می‌کردند، اما پس از اعلام پذیرفته‌شدگان آزمون

در ۲۹ شهرستان، بسیاری از داوطلبان به این نتایج اعتراض کردند، چراکه آنها می‌گویند به رغم کسب نمره لازم از طریق بالاتر از حداقل امتیاز باز هم مردود شدند.

جوان ۳

روزنامه جوان | شماره ۶۸۶۰

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۵۶

افسانه‌های قدیمی می‌گوید اسب کشاورزی با به فرار گذاشت. جوانان روستا گرد آمده، به کشاورز گفتند بیچاره شدی، اسبت رفت. گفت: کسی چه می‌داند؟ شاید! چند روز گذشت. اسب برگشت و با خود چند اسب وحشی نیز آورد. آنان رو به کشاورز کرده، گفتند شانس از این بهتر؟ گفت: کسی چه می‌داند؟ شاید! بعد از مدتی پسر کشاورز از اسب سرنگون شده، پایش شکست. علافان به کشاورز گفتند بدا به حالت... پای پسرت شکست. گفت: کسی چه می‌داند؟ شاید! پس از چندی حاکم همه جوانان را برای جنگ برد، جز پسر پاشکسته کشاورز. آنان با شوق به کشاورز گفتند خوشا به حالت... پسرت از جنگ معاف شد. گفت: کسی چه می‌داند؟

دوستان! دنیا خیلی پیچیده است؛ قواعدی دارد که برای ما گنگ و مبهم است. اگر می‌خواهید راحت‌تر زندگی کنید، دل به تسلیم و رضا بسپارید!

عزیز صامحمدلو



نقش صدآرزوشی زن محجبه

در «دسته دختران»

«دسته دختران» فیلم ایرانی در ژانر دفاع مقدس، به کارگردانی منیر قیدی و بازیگری نیکو کریمی، پانته‌آ پناهی‌ها و فرشته حسینی روایت گروهی از زنان است که برای ایفای نقش استراتژیک در متن جنگ، دسته رزمی دختران را شکل داده‌اند. این درام اولین‌بار در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۰ و در تیرماه ۱۴۰۲ نیز در شبکه نمایش خانگی به نمایش درآمد است.

دسته دختران، گونه متفاوت از حضور زنان در جنگ را به تصویر می‌کشد و از روایت ویلایی‌ها (فیلم قبلی کارگردان) عبور کرده و نقش زن را از حاشیه یا پشت جبهه، در قامت یک چریک آموزش‌دیده به متن و معرکه جنگ می‌کشد. اینکه چنین تصویر مسلح و مردانه از زن، چه خلأ یا پرشش بومی اجتماعی را پاسخ می‌دهد، قابل تأمل است. اینکه این فیلم توانسته گسل جنسیتی را پوشش دهد یا ضریب بدهد نیز می‌تواند محل بحث باشد.

این فیلم درصداست اتحاد رویه در عین اختلاف سلیقه را حول محور جنگ و دفاع از وطن به تصویر بکشد. دسته دختران و زنانی که هر کدام از طبقه و تیپ فکری متفاوتی در فضای جنگ، حاضر بودند و هدف کلی آنها به رغم انگیزه‌های متفاوت و شخصی‌شان، ذیل دفاع از کشور و خلأ یا پرشش بومی اجتماعی را پاسخ می‌دهد، قابل تأمل است. اینکه این فیلم توانسته گسل جنسیتی را پوشش دهد یا ضریب بدهد نیز می‌تواند محل بحث باشد.

این فیلم درصداست اتحاد رویه در عین اختلاف سلیقه را حول محور جنگ و دفاع از وطن به تصویر بکشد. دسته دختران و زنانی که هر کدام از طبقه و تیپ فکری متفاوتی در فضای جنگ، حاضر بودند و هدف کلی آنها به رغم انگیزه‌های متفاوت و شخصی‌شان، ذیل دفاع از کشور و خلأ یا پرشش بومی اجتماعی را پاسخ می‌دهد، قابل تأمل است. اینکه این فیلم توانسته گسل جنسیتی را پوشش دهد یا ضریب بدهد نیز می‌تواند محل بحث باشد.

از امتداد نقد قبلی، چون شخصیت‌ها قصه ویژه‌ای نداشتند و بیشتر حجم فیلم ناظر بر جلوه‌های میدانی و کارگردانی آن بود، هیچ چهره شاخص، قهرمان و پروتاگونیستی را در فیلم شاهد نبودیم. فیلم بدون قهرمان هم برای انتقال مفاهیم و معانی قطعاً دچار اختلال در رسانش و ارتباط با مخاطب خصوصاً جوان و نوجوان می‌شود.

اما نقابل و همراهی دو تیپ فکری متفاوت در جنگ که از دغدغه‌های عوامال این فیلم بود، کاراکتر و جبهه که چادری تمام‌عیاری بود و حتی وسط معرکه‌ها هم چادر از سرش نیفتاد و سیمین که لباس فرم نظامی بر تن و چفیه‌ای هم بر سر داشت و موهایی که از چفیه بیرون زده بود و به همین خاطر نیز با عبارت بی‌حیا از طرف کاراکتر چادری، بارها مورد خطاب و عتاب قرار گرفت. در انتها نیز برای بستن زخم همراه و هم‌زمرستی که مرد جوانی هم بود، همان چفیه را هم از سر تراشیده‌اش برداشت.

اما نشانه‌ها و مکالمه‌ها در سینما بیشتر از بقیه مسائل برای مخاطب پیام دارند. سوال این است که چرا در فیلم دفاع مقدسی هم مثل خیلی از فیلم‌های سینمایی ایرانی، کاراکتر چادری قصه، بدانحال و خشن و بددفاع به تصویر کشیده می‌شود؟ فردی که دائم در حال تذکر است و دیگری خود را می‌رنجاند و حتی از فرمانده دسته به خاطر این ادبیات تند هم تذکر می‌شود. اگر ذهنیت و کلیشه حجاب در ژانر دفاع مقدسی هم بدون جامه اخلاقی و رفتار اجتماعی شکل بگیرد، آیا این ادامه یک رویه مسوموم علیه حجاب در سینما نمی‌تواند باشد؟

علاوه بر رفتار بددفاع، چرا کاراکتر با حجاب در فیلم با رفتار آمرانه نجسب، ادبیات تند (واژه بی‌حیا که به سیمین می‌گفت)، هراس از و مشکل‌ساز شدن حجاب در سینما نمی‌تواند باشد؟ چرا کاراکتر با حجاب در فیلم با رفتار آمرانه نجسب، ادبیات تند (واژه بی‌حیا که به سیمین می‌گفت)، هراس از و مشکل‌ساز شدن حجاب در سینما نمی‌تواند باشد؟ چرا کاراکتر با حجاب در فیلم با رفتار آمرانه نجسب، ادبیات تند (واژه بی‌حیا که به سیمین می‌گفت)، هراس از و مشکل‌ساز شدن حجاب در سینما نمی‌تواند باشد؟

چرا این خلم چادری جسور که در حد فرمول یک هم رانندگی می‌کند، در موقعیت حجاب به همه اعضای دسته برای جمع‌آوری مهمات ریسک می‌کنند، از سسر ترس و لرز جامی‌ماند و در موقعیت خلوت و وسط تنهایی و جنگ هم، از داشبورد ماشین، عکس امام را مشاهده می‌کند و سیگاری برمی‌دارد و ترانه‌ای هم از ضبط ماشین پخش می‌کند، گویا که چهره دیگری از محجبه‌ها را به تصویر کشیده باشد؟ آیا این استراتژیک از زن مؤمنه و محجبه است؟ آیا مصداق آن مصرعی نیست که می‌گفت: «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگری می‌کنند؟» در انتهای فیلم هم که این دو تیپ متفاوت با صمیمیت از همدیگر خداحافظی می‌کنند و سیمین (کاراکتر جوان) دو انگشت خود را به نشانه پیروزی بالا می‌برد، با همان دوست‌سپس را هم‌زمر مردش به خط مقدم رفته و نقش منجی را بازی و تحسین فرماندهان را هم جذب می‌کند. و جبهه و کاراکتر محجبه فیلم هم نشانه‌بشانه همسرش و همراه آران گوار شهر، به پشت جبهه حرکت می‌کنند!